

Original Research

Comparison of Divorced and Normal Couples in Psychological Adjustment and Economic Social Religious and Emotion Regulation Insights Relationship

Mohammad Mehdi Motahari Rad^{1*}, Naser Behroozi², Massoud Boroumandasab³

1. M.Sc., Department of General Psychology, Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Ahvaz, Iran

2. Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Ahvaz, Iran

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 2019/07/10 Revised: 2019/08/21 Accepted: 2019/09/02

Abstract

Introduction& Purpose: The aim of the present Prvsh compare the personality characteristics, value system and communication skills among couples divorce applicant Dezful city was normal.

Methodology: The subjects included 75 couples who divorced applicant purposeful sampling 75 paired normal and the multi-stage random sampling were selected. A descriptive research design the comparison. Data gathered by the five factor personality questionnaire NEO short form questionnaire value system Alport, Vernon, Lindsay Quinn and communication skills test animals were used. Statistical methods in this study, was (MANOVA). After statistical analysis at $P < 0/05$.

Results: The results showed that the applicant couples in the areas of divorce and normal personality characteristics, neuroticism, extraversion, openness, consistency, value system, the theoretical value, economic value, artistic value, social values, political values, religious values, communication skills, listening skills, emotion regulation skills, skills to understand the message, vision skills in communication there was a significant difference.

Conclusion: And personality characteristics of conscientiousness and assertiveness skills in a significant difference between the applicant couples divorce and was found normal.

Keywords: Personality characteristics, value system, communication skills, the applicant couples divorce

Citation: Mohammad Mehdi Motahari Rad, Naser Behroozi, Massoud Boroumandasab, Comparison of Divorced and Normal Couples in Psychological Adjustment and Economic Social Religious and Emotion Regulation Insights Relationship, Journal of Motor and Behavioral Sciences, Volume 2, Number 3, Autumn 2019, Pages 219-229.

* **Corresponding Author:** Mohammad Mehdi Motahari Rad, M.Sc., Department of General Psychology, Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Ahvaz, Iran

Email: Mm.motaharyrad@gmail.com

مقایسه ی زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ روان آزردهی، سازگاری و اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و تنظیم عواطف، بینش، قاطعیت در ارتباط

محمد مهدی مطهری راد*^۱، ناصر بهروزی^۲، مسعود برومند نسب^۳

۱. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی - عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

۲. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

دریافت مقاله: ۹۸/۰۴/۱۹ بازنگری مقاله: ۹۸/۰۵/۳۰ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۶/۱۱

چکیده

مقدمه و هدف: هدف از پژوهش حاضر، مقایسه ی ویژگی های شخصیتی، نظام ارزشی و مهارت های ارتباطی در بین زوجین متقاضی طلاق و عادی شهرستان دزفول بود.

روش شناسی: آزمودنیها شامل ۷۵ زوج متقاضی طلاق که به روش نمونه گیری هدفمند و ۷۵ زوج عادی که به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. طرح تحقیق از نوع توصیفی علی - مقایسه ای بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی نئو فرم کوتاه، پرسشنامه نظام ارزشی آلپورت، ورنون، لیندزی و آزمون مهارتهای ارتباطی کوئین دام استفاده شد. شیوه ی آماری در این پژوهش، مانوا (*MANOVA*) بود.

نتایج: پس از تجزیه و تحلیل آماری در سطح $P < 0/05$ نتایج نشان داد که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی در زمینه های ویژگی های شخصیتی، روان رنجوری، برونگرایی، گشودگی، سازگاری، نظام ارزشی، ارزش نظری، ارزش اقتصادی، ارزش هنری، ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی، ارزش مذهبی، مهارت های ارتباطی، مهارت گوش دادن، مهارت تنظیم عواطف، مهارت درک پیام، مهارت بینش در ارتباط تفاوت معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: ویژگی شخصیتی وجدانی بودن و مهارت قاطعیت در ارتباط تفاوت معنی داری بین زوجین متقاضی طلاق و عادی مشاهده نگردید.

واژگان کلیدی: ویژگی های شخصیتی، نظام ارزشی، مهارت های ارتباطی، زوجین طلاق

ارجاع: مطهری راد محمد مهدی، بهروزی ناصر، برومند نسب مسعود، تاثیر تاثیر تمرینات وای فیت بر مهارت هماهنگی دستی در افراد دارای بیماری پارکینسون، مجله علوم حرکتی و رفتاری، دوره دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، صفحات ۲۱۹-۲۲۹.

نویسنده مسئول: محمد مهدی مطهری راد، کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی - عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.

آدرس الکترونیکی: Mm.motaharyrad@gmail.com

مقدمه

در گذشته، انتخاب همسر و ازدواج با سنت ها و آداب و رسوم در آمیخته بود. و این امر از وظایف و اختیارات بزرگترهای خانواده، ریش سفیدان و پدر و مادر بود. دو نفر وقتی ازدواج می کردند تا آخر عمر با یکدیگر زندگی می کردند، خواه با هم تفاهم داشتند یا نه. در حال حاضر به غیر از برخی از جوامع که هنوز ارزش های سنتی بر آن حاکم است، انتخاب همسر مانند امور دیگر متحول شده و جلوه ی دیگری یافته است. افراد سعی می کنند بنا بر خواست خود و با توجه به مجموعه ای از ملاک ها و معیارها ازدواج نمایند. با وجود اینکه ازدواج پیوند بسیار خوشایندی است و معمولاً زوج ها در ابتدای ازدواج تقریباً شاد و راضی هستند. اما شواهد بیانگر آن است که رضایت زوجین به آسانی قابل دسترس نمی باشد و در زندگی های خانوادگی فضای آرامش و محبت برقرار نیست (ستیر ۱۹۸۷؛ ترجمه بیرشک، ۱۳۸۰). باید گفت مهم نیست که چند زوج بر سر سفره ی عقد می نشینند و با هم ازدواج می کنند، مهم آن است که چگونه آنها می توانند به خوشی و آرامش در کنار هم بمانند. زندگی شاد یا غمگین، راضی یا ناراضی، سازش و طلاق خود معلول علت یا علت هایی است که مورد توجه و هدف محققان جامعه شناسی و روانشناسی بوده است. یکی از علل عدم تشکیل خانواده های موفق و سازگار، عدم تجانس زوجین در ویژگی ها و صفات شخصیتی، عدم شناخت و آگاهی از بینش ها و ارزش های شریک زندگی خود و نادانی و جهل در نحوه ی ارتباط صحیح و درک متقابل از یکدیگر بخصوص در موقعیت های بحرانی زندگی است که منجر به افزایش آمار طلاق در بین جوانان بخصوص در دوران عقد و بالاحص در پنج سال اول زندگی مشترک شده است. که این امر خود منجر به تبعات زیان بار روانی، اقتصادی و اجتماعی برای آنها، اطرافیان و فرزندان حاصل از این ازدواج نا موفق می شود. آسیب هایی از جمله: افت تحصیلی، ناسازگاری، بزهکاری و خود کشی فرزندان طلاق، فقر و فحشا بخصوص در زنان مطلقه، اعتیاد و پناه بردن به انواع مخدرات و مشروبات الکلی، سوء استفاده از کودکان و کودک آزاری فرزندان طلاق، تجاوز، پرخاشگری، فرار از منزل و ایجاد اختلالات شخصیتی، عاطفی، اضطرابی و دیگر آسیب های روانی هم در زوجین طلاق و هم فرزندان آنها دیده می شود. بالاخره اینکه بچه های طلاق آینده ای خوب را برای خود تصور نمی کنند و اطمینان خود را به ارکان زندگی از دست می دهند و از آنجا که عدم توجه خانواده را به مسائل و نیازهای

خود لمس می نمایند، در آینده نسبت به افراد پیرامون خود و در مقیاس بالاتر، اجتماع، به نوعی به بی اعتنایی و بی توجهی کشیده می شوند (ستوده، ۱۳۸۲). با توجه به مطالب گفته شده، پژوهشگر در پی این است که بیان کند آیا بین ویژگی های شخصیتی، نظام ارزشی و مهارتهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد؟

روش شناسی

جامعه ی آماری روش نمونه گیری و حجم نمونه: جامعه ی آماری پژوهش حاضر شامل زوجین عادی و زوجین متقاضی طلاق ساکن در شهرستان دزفول بود، تعداد نمونه ها شامل ۱۵۰ زوج (زن و مرد) که ۷۵ زوج عادی دارای سنین بین ۲۵ سال تا ۵۰ سال و سطح سواد بین دیپلم تا فوق لیسانس؛ جهت انتخاب از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای استفاده گردید.

ابزار: پرسشنامه ی پنج عاملی نتو (کاستا و مک کری، ۱۹۸۹) این پرسشنامه از ۶۰ گویه بر اساس مقیاس لیکرت (۱، کاملاً موافقم و ۵، کاملاً مخالفم) تهیه شده است. که هر ۱۲ گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت (روان رنجوری، برونگرایی، گشودگی، سازگاری و وجدانی بودن) را اندازه می گیرد. نمره های هر عامل جداگانه محاسبه می شود و در نهایت پنج نمره به دست می آید. پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI توسط مک کری و کاستا روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است در پژوهش کیامهر (۱۳۸۱) برای بررسی پایایی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی از روش باز آزمایی استفاده شده است که ضریب همبستگی بین دو اجرایی آزمون برای عامل های پرسشنامه بین ۰/۶۵ و ۰/۸۶ به دست آمد. ضریب حاصل از همسانی درونی این پرسشنامه با آلفای کرونباخ بین ۰/۵۴ و ۰/۷۹ به دست آمد. پرسشنامه نظام ارزشی: پرسشنامه بررسی ارزشها ساخته آلپورت، ورنون و لیندزی (۱۹۶۰، به نقل از آستازی، ۱۹۶۸)، این آزمون از ۴۵ سؤال تشکیل شده است و دارای دو بخش است. بخش اول ۳۰ سؤال که هر یک دارای دو جواب و چهار حالت انتخابی است. آزمودنی با قرار دادن علامت در خانه های پاسخ نامه تمایل شخصی خود را مبنی بر مخالفت، موافقت یا ترجیح یکی بر دیگری مشخص می کند. اعتبار^۱ و پایایی پرسشنامه نظام ارزشی: محمدی روزبهانی (۱۳۷۸) در تحقیق خود با همبسته کردن آزمون فوق با مقیاس چند درجه ای که هر کدام از آنها

بر اساس یک ارزش شناخته شده بود ضرایب اعتبار زیر را بدست آوردند: نظری ۰/۵۵، اقتصادی ۰/۶۳، هنری ۰/۵۲، اجتماعی ۰/۷۰، سیاسی ۰/۵۹ و مذهبی ۰/۸۰ که همه این ضرایب در سطح $P < 0.001$ معنا دار هستند. و با استفاده از روش کوردر-ریچاردسون و حجم نمونه ۹۰ نفری از دانشجویان برای ارزشهای نظری، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی و مذهبی ضرایب پایایی را به ترتیب برابر ۰/۹۳، ۰/۸۹، ۰/۸۵، ۰/۹۲، ۰/۸۱ و ۰/۹۶ بدست آوردند.

آزمون مهارت های ارتباطی کوئین دام: این آزمون که توسط کوئین دام برای سنجش مهارت های ارتباطی بزرگسالان ابداع شده است برای اولین بار توسط حسین چاری و فداکار در سال (۱۳۸۴) ترجمه و دارای ۳۴ گویه است که مهارت های ارتباطی را توصیف می کنند. برای تکمیل آن، پاسخگو باید هر گویه را بخواند و سپس میزان انطباق وضعیت فعلی خود را با محتوای آن بر روی یک طیف لیکرت پنج درجه ای از ۱ (برای هرگز) تا ۵ (برای همیشه) مشخص کند. مهارت های ارتباطی فرعی که در این مقیاس مورد بررسی قرار می گیرند شامل پنج

مهارت گوش دادن، توانایی دریافت و ارسال پیام، بینش نسبت به فرآیند ارتباط، کنترل عاطفی، و ارتباط توأم با قاطعیت هستند. حسین چاری وفداکار (۱۳۸۴) در پژوهش خود به منظور بررسی روایی سازه ای مهارت های ارتباطی و نیز ساختار عوامل مهارت های ارتباطی، شیوه ی آماری تحلیل عاملی از نوع تاییدی و به روش مؤلفه های اصلی مورد استفاده قرار دادند. مقدار عددی شاخص KMO برابر با ۰/۷۱ و نیز مقدار عددی شاخص خی دو در آزمون کروییت با بارتلت برابر با ۰/۰۱۳۱۸۳ بود که در سطح $P < 0.001$ معنا دار بود و حکایت از کفایت نمونه و متغیر های انتخاب شده برای انجام تحلیل عاملی داشت.

نتایج

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند میانگین، انحراف معیار، حداکثر، حداقل و تعداد آزمودنی های نمونه می باشد. که برای کلیه متغیرها مورد مطالعه در این پژوهش در جداول ۴-۱، ۴-۲ و ۴-۳ ارائه شده است.

جدول (۴-۴): نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات ویژگی های شخصیتی زوجین متقاضی طلاق و عادی

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه DF	خطا DF	سطح معنی داری (p)
آزمون اثر پیلایی	۲۶۸/	۲۱/۴۱۴	۵	۲۹۲	۰/۰۰۰
آزمون لامبدای ویلکز	۷۳۲/	۲۱/۴۱۴	۵	۲۹۲	۰/۰۰۰
آزمون اثر هتلینگ	۳۶۷/	۲۱/۴۱۴	۵	۲۹۲	۰/۰۰۰
آزمون بزرگترین ریشه روی	۳۶۷/	۲۱/۴۱۴	۵	۲۹۲	۰/۰۰۰

همانطوری که در جدول شماره (۴-۴) مشاهده می شود، سطوح معنی داری همه آزمونها، بیانگر آن هستند که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ ویژگی های شخصیتی در سطح $\alpha = 0.05$ تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول شماره (۴-۵): نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا در مورد ابعاد پنج گانه ویژگی های شخصیتی زوجین متقاضی طلاق و عادی

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری (P)
روان رنجوری	۳۲۰/۳۳۳	۱	۳۲۰/۳۳۳	۶/۲۷۸	۰/۰۱۳
برون گرایی	۱۱۶۰/۳۳۳	۱	۱۱۶۰/۳۳۳	۳۱/۹۶۴	۰/۰۰۰
گشودگی	۶۴۸/۲۷۰	۱	۶۴۸/۲۷۰	۱۰/۰۹۱	۰/۰۰۲
سازگاری	۴۲۶۳/۸۷۰	۱	۴۲۶۳/۸۷۰	۶۷/۶۷۶	۰/۰۰۰
وجدانی بودن	۳۸/۸۸۰	۱	۳۸/۸۸۰	۰/۲۶۲	۰/۶۰۹

تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=6/278, P=0.013$) بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ برونگرایی در سطح $\alpha = 0.05$ تفاوت

همان طوری که در جدول (۴-۵) مشاهده می گردد، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ روان رنجوری در سطح $\alpha = 0.05$

مقایسه ی زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ روان...

تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۶۷/۶۷۶$ ، $P=۰/۰۰۰$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ وجدانی بودن در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود ندارد ($F= ۰/۲۶۲$ ، $P=۰/۶۰۹$) .

معنی داری وجود دارد ($F=۳۱/۹۶۴$ ، $P=۰/۰۰۰$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ گشودگی در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۱۰/۰۹۱$ ، $P=۰/۰۰۲$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ سازگاری بودن در سطح $\alpha = ۰/۰۵$

جدول شماره (۴-۶): نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات نظام ارزشی زوجین متقاضی طلاق و عادی

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه DF	خطا DF	سطح معنی داری (p)
آزمون اثر پیلائی	۰/۴۳۸	۳۷/۸۲۹	۶	۲۹۱	۰/۰۰۰
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۵۶۲	۳۷/۸۲۹	۶	۲۹۱	۰/۰۰۰
آزمون اثر هنتلینگ	۰/۷۸	۳۷/۸۲۹	۶	۲۹۱	۰/۰۰۰
آزمون بزرگترین ریشه روی	۰/۷۸	۳۷/۸۲۹	۶	۲۹۱	۰/۰۰۰

طلاق و عادی از لحاظ نظام ارزشی در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد.

همانطوری که در جدول شماره (۴-۶) مشاهده می شود، سطوح معنی داری همه آزمونها، بیانگر آن هستند که بین زوجین متقاضی

جدول شماره (۴-۷): نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا در مورد ابعاد شش گانه، نظام ارزشی

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری (P)
ارزش نظری	۴۷۳/۷۶۳	۱	۴۷۳/۷۶۳	۹/۹۲	۰/۰۰۲
ارزش اقتصادی	۱۵۷۳/۲۳۰	۱	۱۵۷۳/۲۳۰	۲۸/۶۲۵	۰/۰۰۰
ارزش هنری	۸۵۳/۴۵۳	۱	۸۵۳/۴۵۳	۲۱/۸۳۸	۰/۰۰۰
ارزش اجتماعی	۴۶۴۹/۲۰۳	۱	۴۶۴۹/۲۰۳	۹۲/۵۶۳	۰/۰۰۰
ارزش سیاسی	۲۲۹۶/۳۳۳	۱	۲۲۹۶/۳۳۳	۴۴/۰۹۹	۰/۰۰۰
ارزش دینی	۱۳۶۱/۰۷	۱	۱۳۶۱/۰۷	۱۷/۲۰۱	۰/۰۰۰

$\alpha = ۰/۰۵$ همان طوری که در جدول شماره (۴-۷) مشاهده می گردد، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ ارزش نظری در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۹۲/۵۶۳$ ، $P=۰/۰۰۰$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ ارزش سیاسی در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۴۴/۰۹۹$ ، $P=۰/۰۰۰$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ ارزش دینی در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۱۷/۲۰۱$ ، $P=۰/۰۰۰$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت‌های ارتباطی تفاوت وجود دارد.

همان طوری که در جدول شماره (۴-۷) مشاهده می گردد، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ ارزش نظری در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۹۲/۵۶۳$ ، $P=۰/۰۰۰$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ ارزش اقتصادی در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۲۸/۶۲۵$ ، $P=۰/۰۰۰$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ ارزش هنری در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۲۱/۸۳۸$ ، $P=۰/۰۰۰$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ ارزش اجتماعی در سطح

جدول شماره (۴-۸): نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات مهارت های ارتباطی زوجین متقاضی طلاق و عادی

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه DF	خطا DF	سطح معنی داری (p)
آزمون اثر پیلائی	۰/۱۷۷	۱۲/۵۶	۵	۲۹۲	۰/۰۰۰
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۸۲۳	۱۲/۵۶	۵	۲۹۲	۰/۰۰۰
آزمون اثر هنتلینگ	۰/۲۱۵	۱۲/۵۶	۵	۲۹۲	۰/۰۰۰
آزمون بزرگترین ریشه روی	۰/۲۱۵	۱۲/۵۶	۵	۲۹۲	۰/۰۰۰

تفاوت معنی داری وجود دارد، بنابراین فرضیه (شماره ۳) تایید میگردد. یعنی بین زوجین متقاضی طلاق و عادی، از لحاظ مهارت های ارتباطی تفاوت معنی داری وجود دارد.

همانطوری که در جدول شماره (۴-۸) مشاهده می شود، سطوح معنی داری همه آزمونها، بیانگر آن هستند که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت های ارتباطی در سطح $\alpha = 0.05$

جدول (۴-۹): نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا در مورد ابعاد پنج گانه، مهارت های ارتباطی

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری (P)
گوش دادن	۲۶/۴۰۳	۱	۲۶/۴۰۳	۱/۸۷۱	۰/۱۷۲
تنظیم عواطف	۶۱۰/۶۱۳	۱	۶۱۰/۶۱۳	۳۲/۸۳۸	۰/۰۰۰
درک پیام	۲۵۰/۲۵۳	۱	۲۵۰/۲۵۳	۶/۹۶۷	۰/۰۰۹
بینش	۸۰/۰۸۳	۱	۸۰/۰۸۳	۴/۹۹۹	۰/۰۲۶
قاطعیت	۰/۲۱۳	۱	۰/۲۱۳	۰/۰۲۴	۰/۸۷۶

دهند. از آنجا که شاید هیجان مخرب می تواند در سازگاری فرد و محیط تاثیر نامطلوبی داشته باشد، در زوجین متقاضی طلاق که دارای نمرات بالاتری در روان رنجوری نسبت به زوجین عادی می باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که غیر منطقی، نداشتن کنترل تکانه ها و درجات انطباق پذیری ضعیف تری با دیگران و شرایط استرس زا باشند. در مجموع می توان بیان کرد که چنین زوجینی از ثبات عاطفی، سازگاری زناشویی کمتری برخوردار بوده و همسران نتوانسته اند به خوبی یکدیگر را شناخته و انتظارات متقابل خود را برآورده نمایند. زوجین عادی نسبت به زوجین متقاضی طلاق دارای ویژگی هایی مثل دوست دار دیگران بودن، ترجیح اجتماعات و مهمانی ها، اهل معاشرت، در عمل قاطع، فعال و اهل تعامل و گفتگو می باشند. این چنین زوجینی دارای دید مثبت به زندگی و امیدوار به آینده هستند. در مقابل زوجین متقاضی طلاق نسبت به زوجین عادی دارای ویژگی های مثل انزوا، تبلی و کندی و محافظه کاری بیش از حد می باشند. چنین زوجینی دارای نظرگاه ها و علائق محدود تری می باشند و بیشتر در محدودیت های ذهنی خود فرو رفته و از تعامل و تبادل و گفتگو با دیگران پرهیز می کنند. می توان گفت از ویژگی های مورد نیاز جهت تبادل زوجین با یکدیگر، برون گرایی است. چراکه زوجین برون گرا می توانند ارتباطات و تعامل بیشتر، همدلی و پشتیبانی عاطفی و روانی فزون تری از همسران خود به عمل بیاورند که در نتیجه ی این امر زوجینی موفق تر و دوست داشتنی تر خواهند بود که دارای صمیمیت، نوع دوستی، شادی، هیجان مثبت و عشق در طول دوران زندگی می باشند. بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ گشودگی تفاوت وجود دارد. زوجین متقاضی طلاق که دارای نمرات پایین در این شاخص هستند می

همان طوری که در جدول شماره (۴-۹) مشاهده می گردد، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت ارتباطی گوش دادن در سطح $\alpha = 0.05$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($P = 0.172$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت ارتباطی تنظیم عواطف در سطح $\alpha = 0.05$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F = 32/838$ ، $P = 0.000$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت ارتباطی درک پیام در سطح $\alpha = 0.05$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F = 6/967$ ، $P = 0.009$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت بینش در ارتباط در سطح $\alpha = 0.05$ تفاوت معنی داری وجود دارد ($F = 4/999$ ، $P = 0.026$)، بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت قاطعیت در ارتباط در سطح $\alpha = 0.05$ تفاوت معنی داری وجود ندارد ($F = 0.024$ ، $P = 0.876$).

بحث

یکی از مهمترین عوامل پیشگیری از مسائل و مشکلات خانوادگی شباهت ویژگی های شخصیتی زوجین است. هر چه شباهت ویژگی های شخصیتی زوجین به یکدیگر نزدیک تر باشد می توان به جرأت گفت کانون خانواده از گزند آسیب های مختلف در امان خواهد بود و زوجین زندگی موفق و رضایت بخش تری خواهند داشت. زیرا شخصیت عبارت است از مجموعه ای سازمان یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً پایدار و ثابت که پیش بینی کننده ی ویژگی ها و رفتار آدمی است. داشتن احساس منفی همچون ترس، غم، برانگیختگی، خشم، احساس گناه، احساس کلافگی دائمی و فراگیر مبنای مقیاس روان رنجوری را تشکیل می

توانند دارای رفتار های متعارف و در ظاهر محافظه کار باشند. این زوجین بیشتر به امور رایج پرداخته و دارای علایق و سلیق محدود می باشند. بیشتر این زوجین گرایش به سنت گرایی داشته و از تجدد و تنوع طلبی پرهیز می کنند. از آنجا که زوجین عادی در میزان باز بودن نمره بالاتری کسب کرده اند از نظر ذهنی دقیق و کنجکاو بوده و نگرش آزادتری دارند. در باروری تجربه های درونی و دنیای پیرامون کنجکاو بوده و زندگی آنها سرشار از تجربه های مثبت است. این زوجین طالب نظریه های جدید و احساس های مثبت و منفی فراوان در مقایسه با افراد بسته هستند احتمالاً توانایی بیشتری در درک و فهم نظرات همسران خود خواهند داشت و بیشتر و راحت تر به نقاط ضعف و قوت همسران خود آشنایی و تسلط پیدا می کنند که نتیجه ی آن پرهیز و جلوگیری از سوء تفاهم و برداشت نادرست از همسر خود می باشد بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ سازگاری تفاوت وجود دارد. زوجین متقاضی طلاق که نمره ی کمتری نسبت به زوجین عادی در این زمینه دارند، احتمالاً افرادی خود محور، بدبین به قصد ونیت دیگران و بیشتر اهل رقابت هستند تا همکاری. و در مقابل زوجین عادی که دارای نمرات بالاتری می باشند احتمالاً دارای صفاتی همچون نوع دوستی و احساس همدردی و همراهی می باشند. آنان مشتاق کمک به دیگران و هم نوع خود بوده و اعتقاد دارند که دیگران نیز همان رابطه را با آنها هم دارند. چنین زوجینی هیچ گاه احساس منفی و بد بینی نسبت به شریک زندگی خود نخواهند داشت و همیشه بر اساس حسن نیت و بی ربایی با همسر خود برخورد می نمایند. این زوجین در روابط و تعاملات خود فروتن و متواضع بوده و در روابط بین فردی آمادگی بیشتری برای بخشش و فراموش کردن اشتباهات طرف مقابل دارند که همه این خصوصیات از ویژگی های مورد نیاز همسران موفق و سازگار می باشد. فرد وجدانی دارای هدف ها و خواسته های قوی و از پیش تعیین شده است. در جنبه های مثبت این شاخص افراد نمرات بالاتر در زمینه های حرفه ای و دانشگاهی کسب می کنند و در جنبه های منفی نمره بالا مثل ایراد گیری، وسواس اجباری به پاکیزگی و فشار فوق العاده به خود در امور کاری و حرفه ای دیده می شود. گرچه بین زوجین عادی و متقاضی طلاق در این ویژگی تفاوت معنا داری مشاهده نشد ولی با توجه به این که میانگین زوجین عادی $(M=32/33)$ نسبت به زوجین متقاضی طلاق $(M=24/24)$ بیشتر است، می توان چنین بیان نمود که زوجین موفق نسبت به زوجین متقاضی طلاق دارای وقت شناسی و قابلیت اعتماد بیشتری

هستند. زوجین متقاضی طلاق که در این زمینه نمره کمتری دارند نباید آنها را فاقد پایبندی به اصول اخلاقی دانست بلکه این زوجین معمولاً دقت کافی را برای انجام امور به کار نمی بندند و همین طور برای رسیدن به اهداف و نیز چندان مصر و پیگیر نیستند و نیاز به لذت طلبی و علاقه مندی به امور جنسی در آنها بیشتر از زوجین عادی می باشد. که این اختلاف می تواند باعث ایجاد تعارض و عدم شناخت و بهانه گیری مکرر و مداوم زوجین از یکدیگر شده و به ایجاد نارضایتی منجر شود. نظام ارزشی مجرای است که انسان از طریق آن تصورات و مفاهیم را فرا می گیرد. بهتر است بگوییم که نظام ارزشی همان منظر و دیدگاهی است که انسان از طریق دریچه های آن به جهان می نگرند و همان پنجره ای است که آدمیان هدف ها، راه ها و رفتارهای خود را از طریق آن به جهان هستی عرضه می دارند و در هر لحظه ای از زمان با آن تصمیمی می گیرند و سپس عمل می نمایند. یکی از مهم ترین و شاید حیاتی ترین انتخاب ها که در زندگی ما انسان ها رخ می دهد انتخاب همسر و شریک زندگی است. هر چه این انتخاب بر گرفته از عقاید و ارزش ها باشد نه بر گرفته از احساسات و هیجانات زود گذر محیطی، در نهایت، شور و نشاط آدمی برای ساخت زندگی افزون تر می گردد. تجانس ارزشی زوجین باعث می شود تا در طول زندگی از اشتراکات فرهنگی، عقیدتی، اخلاقی، هنری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیشتری برخوردار بوده و از تنش های احتمالی حاصل از تفاوت های سلیقه پرهیز نمایند. در چنین خانواده ای که ارکان آن از لحاظ شخصیتی و ارزشی شبیه به هم باشند آرامش، همدلی، صمیمیت، و اعتماد حکم فرما است. زوجین انرژی حاصل از عشق و صمیمیت را در جهت ارتقاء سطح خانواده و پرورش فرزندان صالح می نمایند تا بتوانند آینده سازانی برای جامعه و کشور خود تربیت کنند. زیرا که فرزندان امانت های خداوندی در نزد والدین می باشند و حفظ امانت الهی خود یکی از آموزه ها و ارزش های دینی به پدران و مادران است. زوجینی که در این زمینه نمره بالایی کسب می کنند در مجموع می توان گفت که به دلیل نظری و تئوری از شناخت بالاتری در زمینه زندگی زناشویی برخوردارند و از پختگی و رسش بیشتری جهت شناخت امور برخوردار می باشند. در نتیجه می توان گفت چنین افرادی از آگاهی و اعتماد به نفس بیشتری در برخورد با مشکلات زندگی و ارتباط شریک زندگی خود برخوردارند و شخصیتی تاثیر گذار بر روند زندگی داشته و با درایت و شناخت لازم می توانند با چالش ها و مشکلات زندگی دست و پنجه نرم کنند. از ایجاد

اختلافات ناشی از تفاوت امیال و آرزوها جلوگیری کنند. بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ نظام ارزشی اقتصادی تفاوت وجود دارد. مدیریت اقتصادی و مالی خانواده در زوجین عادی می تواند به مراتب خیلی بهتر از زوجین متقاضی طلاق می باشد. نوشتن هزینه های جاری و پیش بینی هزینه های غیر منتظره و اولویت بندی نیازهای زندگی باعث می گردد تا مشکلات اقتصادی زندگی تحت کنترل و تسلط باشد و در نتیجه تعارضات زناشویی کاهش یابد. به عبارت دیگر یکی از دلایل تعارض زناشویی زمانی ست که زن و شوهر یا شخصی که بیشترین بخش درآمد خانواده را تامین می کند در صدد کنترل مخارج و طبقه بندی نیازها و اولویت ها نباشد و طرف مقابل به عمل تلافی جویانه و خرج اضافی دست بزند. مشکل زمانی بیشتر می گردد که هیچکدام از طرفین درایت و تعقل لازم را در اداره امور مالی زندگی نداشته باشند. لذا وجود نارضایتی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق که ارزش اقتصادی پایین تری دارند به مراتب خیلی بیشتر از زوجین عادی است. با توجه به اینکه ارزش هنری بیانگر ویژگی هایی مانند نظم، توازن و توجه به جزئیات، وجود تقارن و ظرفیت ها در اشکال و اجسام می باشد لذا می توان گفت که زوجینی که دارای چنین ویژگی هایی می باشند دارای روحیه حساس بیشتری بوده و کمال گرایی و نکته بینی در آنان بیشتر است. لذا می توان گفت چنین ویژگی به صورت شدید آن می تواند باعث جز نگر، بهانه گیری بیشتر زوجین شده و همین امر باعث نارضایتی بیشتر آنها شود. بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ نظام ارزشی اجتماعی تفاوت وجود دارد. زوجینی که دارای نمره بالا در این ارزش هستند بیانگر روحیه نועدوستی و انسان گرایی بیش از پیش آنهاست. چنین اعتقادی در زوجین باعث می شود تا بهتر بتوانند با سازگاری، تفاهم، همدلی بیشتر با یکدیگر در تعامل باشند و شخصیت خانوادگی خود را شکل بدهند. روحیه انسان گرایی و نوع دوستی همسران باعث می شود تا در مراحل بحرانی و چالش برانگیز زندگی با صمیمیت هر چه بیشتر و در کمال آرامش مشکلات را یکی پس از دیگری حل و فصل نماید. منظور از ارزش سیاسی آن اموری است که در تاریخ از لحاظ سیاسی مورد توجه جوامع گوناگون بوده و بر اثر تحول و تطور سبب ایجاد اشکال گوناگون حکومت گردیده است. مانند شکل حاکمیت در کلان های ابتدایی یا اشکال حکومت عامه و خاصه که در هر کدام از این حکومت ها ارزش و مقام انسانی متفاوت می باشد. ارزش آزادی نیز از ارزش های مهم سیاسی است. به طور کلی منظور از ارزش سیاسی

علاقه مندی به قدرت، شهرت و نفوذ شخصی است. زوجینی که در این ارزش نمره بالاتری دارند دوست دار رقابت و کوشش در تمام شئون زندگی می باشند. چنین زوج هایی در زندگی مشترک خود از سبک های دموکرات و تعاملی استفاده کرده و هر کدام سعی می کنند که حق اظهار نظر به طرف مقابل خود را بدهند و با شکیبایی و صبوری با ایده ها و نظرات مخالف برخورد می نمایند. بدون اینکه هیچگونه تنش و کدورتی را در روابط درون فردی و برون فردی خود ایجاد نمایند. در نتیجه امر تفاهم و تعامل زناشویی در میان زوجین افزایش یافته و رضایت از زندگی حاصل می گردد. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که زوجین عادی توجه بیشتری به وحدت، یگانگی، علاقه به درک هستی بصورت کل و خداوند متعال در امور زندگی نشان می دهند. وجود چنین ارزشی نشان از یک اعتقاد مذهبی عمیق و پاک دارد. زوجین مذهبی سعی می کنند که زندگی خود را بر اساس اصول و عقایدی که ریشه در ادیان الهی دارد بنا نمایند و کلام حق را که در تمام کتب مقدس ادیان ابراهیمی به چشم می خورد، بصورت عملی در زندگی خود جاری نمایند. دارلی و کوسنیسکی (۱۹۹۰؛ به نقل از عباسی سرچشمه، ۱۳۸۴) معتقد است ایمان به خدا موجب می شود نگرش فرد به کل هستی هدفدار و دارای معنا باشد. عدم ایمان به خدا موجب می شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشا اختلاف های بسیاری در زندگی خانوادگی می شود. مذهب باعث صبر، بردباری، احساس همدلی، انعطاف پذیری و گذشت در روابط با دیگران می شود که این ویژگی ها می توانند در روابط زن و شوهر نقش بسزایی داشته و موجبات رضایت زناشویی را فراهم آورد. اعمال مذهبی از لحاظ درون فردی انسان را قادر به کنترل خشم عصبانیت می کند. این امر به وی کمک می کند تا مسئولیت اعمال و رفتار خود را در تعارض های پیش آمده در روند زندگی بپذیرد و از لحاظ بین فردی، شرایطی مهیا شود که فرد به هنگام خشم و ناراحتی به خدا توجه کند. این موضوع برای هر دو زوج زمینه های حمایتی ایجاد می کند تا از تعارض و تفاوت با یکدیگر بپرهیزند. ارتباط با خدا و عمل به مناسک و آیین های دینی، یک نقش تعاملی در ارتباط روابط زناشویی دارد. وحدت نظر زوجین حول یک محور اساسی به نام دین و مذهب باعث می شود تا زوجین به هنگام برخورد با مسائل و مشکلات زندگی فقط از بعد مادی و دنیوی به امور نپرداخته و با توکل به خدا و توسل به اولیای الهی از اعتماد به نفس و انسجام بیشتری برخوردار باشند تا کمتر دچار لغزش ها و خطا های جبران

ناپذیر در طول دوران حیات خود بوده و رضایت خاطر بیشتری در طول زندگی برای همسر خود فراهم نمایند. ارتباط عبارت است از انتقال و اشتراک معانی و عقاید، تصاویر و اندیشه ها. هر چه میزان اشتراک معانی بیشتر باشد، ارتباط قوی تر و موثرتر است. بیشترین اوقات زندگی ما صرف ارتباط می شود و در عصر ارتباطات فرد موفق کسی است که خوب ارتباط برقرار کند. مهارت های ارتباطی خوب به ما کمک می کند که روابط سالم و رضایت بخشی را با دیگران داشته باشیم. از طرف دیگر مهارت های ارتباطی ضعیف می تواند به گونه ای باشد که به سوء تفاهم ها و احساسات منفی منجر شود. مهارت برقراری ارتباط یکی از پیش بینی کننده های سلامت است و زوجینی که در نحوه ی ارتباطات خود موفق هستند بیانگر این است که از سلامت روان برخوردار بوده و به طبع آن دارای زندگی سرشار از آرامش و نشاط می باشد. زیرا در سایه ارتباطات سالم در خانواده است که هرکدام از اعضا خانواده می توانند به نیازهای مادی، امنیتی، عاطفی و حمایتی دست یابند. و از لحاظ روانی به سطح قابل قبولی از رشد برسند. زوجین موفق سعی می کنند تا در طی زمان کمیت روابطشان را افزایش و کیفیت آن را نیز با طرف مقابل ارتقا دهند تا در نحوه ی ارتباط خود به موفقیت دست یافته و زندگی مشترک خود را سرشار از مهر و محبت نمایند. بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت های ارتباطی گوش دادن تفاوت وجود دارد. در روابط بین فردی گوش دادن اهمیت زیادی دارد زیرا از طریق این مهارت می توانیم ضمن احترام گذاشتن به فرد مقابل، وی را به ادامه تعامل تشویق نموده و در نتیجه اطلاعات بیشتری کسب نماییم. گوش دادن در تعاملات اجتماعی به دو معنا به کار می رود. گوش دادن فعال اولین معنا می شود. این فن معمولاً بر منعکس نمودن احساسات طرف مقابل تکیه دارد. برای اجرای این کار باید حداکثر استفاده از حواس خود را به عمل آوریم و برآنچه که شخص مقابل احساس می کند و بر زبان می آورد متمرکز شویم و با هدف درک کردن به او گوش دهیم. دومین معنا، گوش دادن منفعلانه است. این نحوه گوش دادن بر جنبه های پنهان رفتار شنونده اتلاق می شود. یعنی بصورت پنهانی و بدون فرستادن پیام های کلامی و غیر کلامی به صحبت های شخص مقابل گوش می دهیم. زوجین موفق از طریق گوش دادن در روابط بین فردی خود می توانند صمیمیت را ایجاد کنند و به تداوم آن کمک نمایند زیرا که گوش دادن منجر به فهمیدن و رسیدن درک همدلانه می شود تا از این طریق علائق، نیازها و تعصبات خود را بکاهیم و از زاویه

طرف مقابل به موضوع نگاه کنیم. گوش دادن نشانه مهر و محبت ما و یکی از موثرترین شیوه های کاهش فشار عصبی در طرف مقابل است. بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت های ارتباطی تنظیم عواطف تفاوت وجود دارد. زوجینی که نسبت به علائم هیجانی خود و همسرشان شناخت و توجه کافی دارند در روابطشان کدورت و سوء تعبیر به ندرت پیش می آید و احساس صمیمیت و همراهی بیشتری را در روابط بین فردی خود احساس می کند. در مقابل زوج های پریشان به علت عدم شناخت کافی از هیجانات و عواطف همسرشان در مقاطع زمانی حساس دست به مقابله به مثل می زنند و باعث ایجاد کدورت و ناراحتی در روابط خود با همسرشان می گردد. زنان بهتر از مردان در ابراز دقیق عواطف و تشخیص آنها در روابط عمل می نمایند و این ضعف مردان خود از عوامل عدم موفقیت در زندگی است. زوج های شاد و خوشبخت نسبت به زوج های ناسازگار هم در اظهار و هم ابراز عواطف و هم در دریافت عواطف عملکرد بهتری از خود نشان می دهند. در مجموع می توان گفت اگر زوجین از عواطف همسرشان آگاه شوند و بتوانند عواطفشان را بصورت واضح و آشکار به یکدیگر ابراز نمایند زندگی بهتری خواهند داشت. بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مهارت های ارتباطی درک پیام تفاوت وجود دارد. زوجین موفق که دارای مهارت های ارتباطی قوی تر می باشند، سعی می کنند که مفاهیم و امیال خود را به صورت صریح و واضح و متناسب با ویژگی های شخصیتی و رفتاری طرف مقابل انتقال دهند تا از بروز هر گونه تنش و پیامد های ناگوار اجتناب نمایند. هرگاه زوجین بدانند که طرف مقابل آنها اطلاعات را چگونه پردازش می کند می تواند اطلاعات خود را به گونه ای انتقال دهند که با درک آنها همخوانی داشته باشد. زیرا هر مخاطب دارای شیوه های ارتباطی و ادراکی متفاوتی است. که اگر از آنها اطلاع داشته باشیم، مطمئناً در برقراری ارتباط موفقیت و نفوذ در آنها را امکان پذیرتر می سازد. مهارت بینش در ارتباط زوجین را برای خدمت به زندگی خویش قادر می سازد. بینش در ارتباط به آنان کمک می کند تا از شر برخی عادات راحت شوند و رفتارهای کلیشه ای و سطحی خود را ترک گویند. این مهارت در بهترین حالت به افراد کمک می کند تا قدرت انتخاب عمل خود را پرورش دهند و نه به صورت انسان های سلطه پذیر و نه به صورت انسان های پرخاشگر عمل نمایند بلکه بر اساس نوع ارتباط در مکان و زمان های متناسب با طرف مقابل خود در تعامل باشند که در نهایت زوجین از این نحوه ارتباط احساس ارزشمندی

4. Amato, E.S & Brown, M.N (2000). Love and intimate relationship. London. Brunner Mazzel press.
5. Amato, P.R & Rogers, S.J (1997). A longitudinal study of marital problem and subsequent divorce. *Journal of Marriage and family*, 59,612-624.
6. Andrew, J.A. Foster, S.I.,Capaldi, D.& Hops, H. (2000). Adolecent and family predictors of physical aggression, communication, and satisfaction in young adult couples. *Journal of Consulting and Clinical psycholog*, 68,195-208.
7. Asendorph, J.B., Van Aken, M.A.(2003). Validity to five personality jud men is in children. *Europen Journal of Personality*, 17,1-17.
8. Bentler, P.M & new comp. M.D,(1998). Longitudinal study of marital success and failure. . *Journal of stalting and clinical psychology* vol. 46,p,1053-1070.
9. Blanchard, Victoria L. Alan, J. Hawkins. Baldwin, Scott A. Fawcett, Elizabeth B (2009). Investigating the Effects of Marriage and Relationship Education on Couples' Communication Skills . *Journal of Family Psychology, Volume 23Pages 203-214*.
10. Blum, J.s.& Mehrabian.(1999). Personality and temperament correlates marital of satisfaction. *Journal of personality*, 93,93-125
11. Boeree,G. (2003). Trait theories of personality. Retrieved: April 23, 2007, from: web.space.ship.edu/cgboer/genpsytraits.html.
12. Bouchard, G, Lussier,H.& Genevieved,K.(1999). Personality and marital adjustment:Utility of the five-factor model of personality. *Journal of marriage and the family*, 61,651-660.
13. Bradbury, T.N. (1998). The developmental course of marital dysfunction New York. Combridge university prees.
14. Bootzin, Richard R.acocella, John Ross, and Alloy,Learn B .(1993). Abnormal psychology: current perspectives.six thedition. McGrow Hill Inc.
15. Burleson, B.R & Denton. W.H.(1997). The relationship between communication skill and marital satisfaction. . *Journal of marital and family*, 59,884-902.

دارند زیرا این سبک ارتباط انرژی مثبت بسیاری را به سمت طرف مقابل آزاد می کند و باعث تقویت رفتارهای غنی و تضعیف رفتارهای نا به هنجار در طول زندگی می شوند. زوجین دارای مهارت قاطعیت در ارتباط در برقراری رابطه، صادقانه، صریح، مستقیم و روشن توأم با احترام متقابل و اصیل (نه ظاهری) می باشد. چنین زوجینی هم حق و حقوق خود و هم حق و حقوق دیگران را محترم می شمارند. نکته قابل توجه این است که آنها بر خلاف افراد سلطه پذیر که خود را متهم می کنند و بر خلاف افراد پرخاشگر که دیگران را متهم می کند در تبیین و پیدا کردن راه حل مشکلات زندگی به جای متهم کردن خود و یا دیگران به مسئله و چگونگی حل آن توجه دارند. این افراد نکات مثبت و منفی را هم در خود و هم در دیگران می بینند و به طور منصفانه و در عین حال برای خود و دیگران احترام قائلند بر همین اساس در حل تعارضات تلاش می کنند تا دیدگاه های خود را بصورت واضح بیان کرده تا احترام خود و دیگران را حفظ نمایند. چنین زوجین در حل تعارضات و مشکلات زندگی بیشتر بر گفتگو تاکید دارند، بنابراین در ایجاد یک ارتباط رضایت بخش کاملاً موفق عمل می کنند.

نتیجه گیری

براساس یافته های حاصل از پژوهش حاضر مشاهده گردید، سطوح معنی داری همه آزمونها، بیانگر آن بود که بین زوجین متقاضی طلاق وعادی از لحاظ ویژگی های شخصیتی تفاوت معنی داری وجود دارد. یعنی بین زوجین متقاضی طلاق وعادی، از لحاظ ویژگی های شخصیتی تفاوت معنی داری وجود دارد. عوامل مختلفی بر پایداری ازدواج و استحکام خانواده مؤثر است. زمانی که زن و شوهر از زندگی زناشویی خود رضایت داشته باشند، خانواده از استحکام خوبی برخوردار می شود و آنها می توانند با مسائل و مشکلات به درستی برخورد کنند و از آسیب ها در امان بمانند.

منابع

1. Aldous,J (1996). Family Careers: rethinking the developmental perspective. Sag Publication, Inc.
2. Allport, et .al (1970). Manual study of Valuse ,Third. Ed. Houghton Mipflin. Co,Boston
3. Adelson. Y ,(1971). The political imagination of the young and adolescent 100/1013-1050

- relationship in young adulthood. *Journal of Social and Personal Relationship*. 20,818-842.
30. Eidelson, R.J., & Epstein, N.(1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50,715-720.
 31. Epstein, N, Baucom, D.H., (2002). Enhanced cognitive- Behavioral therapy for couples: contextual Approach. From: <http://www.books.apa.org/Books>.
 32. Epstein,N & Shelesinger,S.E.(1988). Concept and methods of Cognitive behavioral family threat ment. New york.
 33. Erbert, L.A. (2000). Conflict and dialectics perceptions of dialectical contradictions in marital conflict. *Journal of Social and Personal Relationships*, 17,638-659.
 34. Fields,N.(1983).Satisfaction in long term marriages. *Social Work*,39,37-41.
 35. Company.
 16. Carroll, J.S., & Doherty, W.J.(2003). Evaluating the effectiveness of premarital prevention programs. A meta analytic reviw of outcome research. *Family Ralation*, 52,105-118.
 17. Caughilin, J.P& Huston,T.L& HOUST, R.N. (2000). How does personality matter in marriage. An examination of trait anxiety, interpersonal negativity and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*. 78, 326-36.
 18. Chernen, L.,& Friedman, S.(1993). Therating the personality disordered agrophobic patien with individual and marital therapy. . *Journal of Anxiety Disorders*, 7,163-177.
 19. Christensen, A.& Heavey, C.L.(1999). Intervention for couples. *Annual Review of psychology*, 50,165-190.
 20. Chronek .P ,plhakova. A (2000). Differences in marital satisfaction of men and woman. *Caska-Sdvenska- Psychiatric*. 96-7.
 21. Cramer (2000). Relationship satisfaction and confilict style in romantic relationships. The . *Journal of psychology*, 134,337-342.
 22. Conger & Elder(1900). Linking Economic hardship to material quality in stability. *Journal of marriage and the family*. P464.
 23. Cook, D.B. (2004). continuity and the big five as predictors of old adult marital satisfaction. from [http://:www.sincdirect.com](http://www.sincdirect.com).
 24. Costa,P.T.& Mc Crae.R.P.(1989). The NEO PI/FFI:Manual supplement., Psychological Assessment Re –Sources ,Odessa,FL
 25. Crowe, M. & Ridley, J. (2000). Therapy With couples: A behavioral-systems approach to couple relationship and sexual Problem. Second Edition. Blackwell Science
 26. Day, Ronald,(2003). Interoduction to family proceses, London, luwernce, Erlbium Association, Inc. publisher.
 27. Devito, jA.(1986). The interpersonal communication book (4 th edition), Harper and Row, New York.
 28. Donnellan,M.B.,Conger,R.D.& Bryan,C.(2000). The big five and enduring marritages. Available at: www.sincdirect.com.
 29. Doucet, J.& Aseltine, R.H (2003). Chillhood family adversity and the quality of marital